

تبیین درک استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مورد ویژگی‌های آموزش اثربخش: دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مریم دستورپور^۱، مرضیه مرادی^۲، فاطمه استبصاری^۳، فرزانه ذوالعلی^{۴*}

۱. دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدل‌سازی در سلامت، پژوهشکده آینده‌پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
۳. دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، استادیار، گروه بهداشت، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. دکتری اپیدمیولوژی، استادیار، مرکز منطقه‌ای HIV و ایدز، مرکز آینده‌پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

● دریافت مقاله: ۹۳/۶/۳ آخرین اصلاح مقاله: ۹۳/۸/۲۴ ● پذیرش مقاله: ۹۳/۸/۲۵

زمینه و هدف: ایجاد شواهد نظام‌مند و با رویکرد کیفی در آموزش اثربخش، کمتر مورد توجه بوده است. از این‌رو، هدف از مطالعه حاضر، تبیین دیدگاه‌ها، تجربیات و ادراک دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در مورد آموزش اثربخش و عوامل مرتبط با آن بود. روش کار: این تحقیق یک پژوهش کیفی با روش تحلیل محتوا و نمونه‌گیری هدفمند بود که روی ۳۲ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی و ۷ نفر از استادان دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شد. یک راهنمای مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های گروهی و فردی عمیق استفاده شد. پس از کسب رضایت‌نامه آگاهانه شفاهی، داده‌ها ضبط، دست‌نویس و به روش تحلیل محتوا واکاوی شد. جهت حمایت از صحت و استحکام داده‌ها، معیار مقبولیت و تأیید پذیری لحاظ گردید. یافته‌ها: دو درون‌مایه اصلی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادان شامل عوامل مستقیم و غیر مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش استخراج شد. عوامل مستقیم شامل عوامل مرتبط با دانشجو، استاد، محیط آموزشی و عوامل انگیزشی بود. عوامل غیرمستقیم، عوامل مربوط به سیستم آموزشی کشور، سیستم ارزشیابی، پایش دانشجو و عوامل اقتصادی بودند. نتیجه‌گیری: دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادان بر این باور بودند که آموزش اثربخش، امری پیچیده است که عوامل کلان مانند ویژگی‌های سیستم آموزشی کشور و عوامل خرد مانند ویژگی‌های دانشجویان و استادان بر آن تأثیر می‌گذارند. همچنین، یک تناقض بین درک مربیان و دانشجویان از نقش آنان وجود داشت. مربیان معتقد بودند که دانشجویان مسؤول یادگیری و خود انگیزگی هستند و دانشجویان بیان کردند که این مسؤولیت اصلی مربی است. این موضوع مهم باید در هنگام برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخش در نظر گرفته شود. کلید واژه‌ها: آموزش اثربخش، درک، دانشجویان تحصیلات تکمیلی

*نویسنده مسؤول: مرکز منطقه‌ای HIV و ایدز، مرکز آینده‌پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

● تلفن: ۰۳۴-۳۱۳۲۵۰۹۰ ● شماره: ۰۳۴-۳۱۳۲۵۱۳۴

مقدمه

آموزش به معنی هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای است که با هدف ایجاد یادگیری در فراگیران و ایجاد تغییرات لازم در رفتار آن‌ها طراحی و اجرا می‌شود (۱). عوامل مؤثر بر آموزش، بسیار گسترده و وسیع می‌باشند و شناسایی این عوامل در رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود در سیستم آموزشی مهم است (۳، ۲). آموزش اثربخش، آموزشی است که بتواند بین درک معلم از خودش، درک دانشجو و درک از شرایط روانی-اجتماعی کلاس درس تعادل ایجاد کند (۴).

محققان عرصه آموزش، آموزش اثربخش و کارآمد را مهم‌ترین عامل در پیشرفت آموزشی و یادگیری دانشجو تشخیص داده‌اند (۶، ۵). آموزش موقعی مؤثر و اثربخش خواهد بود که این ویژگی‌ها را داشته باشد: مستقل و دارای جهت‌گیری فردی باشد، همکاری و تعامل بین دانشجویان و استادان در آن وجود داشته باشد، جهت‌گیری آن کوتاه‌مدت نباشد و برای تمامی زندگی فرد هدف‌گذاری شده باشد (۷).

آموزش مؤثر به اهداف و ستاده‌های آموزشی بستگی دارد و به صلاحیت‌های علمی، مهارت‌ها، رفتارها، سبک‌های آموزشی، رشد حرفه‌ای، تحقیق و تفکر نیازمند است (۸). Yunus و همکاران معتقدند که «سازمان‌دهی کلاس درس، ارایه مناسب مطالب، تعامل، تکالیف، رعایت انصاف در امتحان و احساس موفقیت دانشجویان، از جمله موضوعاتی هستند که باید در اثربخشی آموزش و ارزیابی آن مورد توجه قرار گیرند» (۹).

فصیحی هرنندی و همکاران در پژوهشی نشان دادند که نحوه ارایه درس، سازمان‌دهی، ارزیابی و مهارت‌های تخصصی، چهار عامل تأثیرگذار بر آموزش اثربخش هستند (۱۰). همچنین، رضانی و درتاج راوری در پژوهشی با هدف تعیین ویژگی‌های یک مدرس اثربخش از دیدگاه مدرسین و دانشجویان پرستاری، دریافتند که از دیدگاه دانشجویان، مهارت در ارتباط بین فردی، مهارت تدریس، ویژگی‌های فردی استاد، مهارت ارزشیابی و رعایت قوانین آموزشی؛ و از دیدگاه استادان به تربیت مهارت تدریس، رعایت قوانین آموزشی،

مهارت ارزشیابی، ویژگی‌های فردی و ارتباط بین فردی از عوامل مؤثر بر یادگیری و آموزش اثربخش می‌باشند (۱۱).

از طرفی، بدیهی است که دانشجویان و استادان دو رکن اساسی یک کلاس درس به عنوان یک نظام آموزشی را تشکیل می‌دهند و دانشجویان را باید محور فرایند تدریس در دانشگاه دانست و استادان به عنوان راهنما، نقش تعیین کننده‌ای در هدایت این فرایند دارند (۱۲). دانشجویان و استادان به عنوان شرکایی در آموزش با همدیگر کار کنند. به هر حال، «شرکا» همیشه در کیفیت، کمیت و شیوه تدریس یا تناسب محل تدریس توافق ندارند. دانشجویان، بیشتر روش‌های تدریسی را که همراه با تجسس و چالش باشد، می‌پذیرند. بنابراین، باید بین تقاضای دانشجویان و توانایی استادان، تعادل وجود داشته باشد (۱۳).

چنانچه مطالعات نشان دادند، آموزش اثربخش و با کیفیت بالا، در صورت حمایت استادان امکان‌پذیر است. این حمایت، می‌تواند به وسیله ارتباط قوی‌تر بین دانشکده و محل کارآموزی، افزایش فرصت‌ها، انگیزه و پاداش، توسعه برنامه درسی و به دست آوردن مهارت‌های تدریس، تسهیل گردد (۱۶-۱۴).

مطالعات زیادی در زمینه دیدگاه‌ها و تجارب استادان و دانشجویان در مورد آموزش اثربخش و همچنین موانع آن وجود دارد که می‌تواند نشان دهنده اهمیت نظرات آن‌ها در امر یادگیری و آموزش باشد (۱۸، ۱۷). از آن جا که مطالعات کیفی با تبیین درک یا تجربه افراد مطلع، به شناسایی عمیق‌تر پدیده‌ها کمک می‌کنند، هنگام نمونه‌گیری باید افراد یا گروه‌هایی را پیدا نمود که از سؤال پژوهش مطلع و دارای این تجربه باشند. در واقع، هدف عمده رویکردهای کیفی، کشف واقعیت به همان صورتی است که نمونه‌های پژوهش آن را تجربه می‌کنند (۱۹).

اهداف عمده پژوهش‌های کیفی، توصیف پدیده‌ها، تدوین فرضیه، درک روابط بین پدیده‌ها و فرایندها و در نهایت، ایجاد نظریه می‌باشد. در حالی که هدف عمده تحقیقات کمی، به طور معمول آزمون تئوری یا فرضیه، نشان دادن ارتباط بین

اکنون که در کشور ما نیز گسترش دانشگاه‌ها از مرحله کمی به مرحله کیفی سوق داده شده است، ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی بیش از پیش احساس می‌شود.

گرچه هیچ روش تحقیقی را نمی‌توان نسبت به روش‌های دیگر ارجح دانست، اما تجربه نشان داده است که استفاده صحیح از تحقیقات کیفی، منجر به پاسخ سؤالات زیادی در حیطه پزشکی می‌شود که با پژوهش‌های کمی بدون پاسخ باقی مانده است (۲۳). به این منظور، مطالعه حاضر با هدف تبیین درک دانشجویان کارشناسی ارشد، دکتری و استادان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در مورد ویژگی‌های آموزش اثربخش در سال ۱۳۹۲ انجام شد.

روش کار

جمعیت تحت مطالعه و روش نمونه‌گیری

این تحقیق یک پژوهش کیفی به روش تحلیل محتوا بود که در سال ۱۳۹۲ انجام شد. مشارکت کنندگان در این مطالعه، دانشجویان مقطع ارشد و دکتری دوره‌های روزانه و بین‌الملل و استادان دانشگاه علوم پزشکی کرمان بودند. ۳۲ نفر از دانشجویان ارشد و دکتری که در حال گذراندن واحدهای درسی بودند؛ و ۷ نفر از استادان دانشگاه علوم پزشکی کرمان، برای شرکت در مطالعه دعوت شدند. دلیل انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی، این بود که دانشجویان تحصیلات تکمیلی، نسبت به سایر دانشجویان تجربه بیشتری از تحصیل در سیستم آموزشی دارند.

طبق روال پژوهش‌های کیفی، نمونه‌گیری در این مطالعه از نوع هدفمند و حجم نمونه مبتنی بر داده‌ها بود. از این‌رو، نمونه‌گیری و انتخاب افراد دارای صلاحیت، تا جایی که ادامه جمع‌آوری داده‌ها، تکرار داده‌های قبلی بود و اطلاعات جدیدی حاصل نشد (پدیده اشباع) ادامه یافت (۲۴).

معیار ورود به مطالعه برای انتخاب دانشجویان مقطع ارشد و دکتری تخصصی، اشتغال به تحصیل در دانشگاه بود. استادان

متغیرهای انتخاب شده و از قبل تعریف شده و تعمیم یافته‌های تحقیق است (۲۰).

به نظر می‌رسد که اثربخشی شیوه‌های آموزشی با ایجاد شواهد نظام‌مند و مبتنی بر تحقیق کیفی، کمتر مورد توجه بوده است. سختی سنجش پاسخ‌های متنوع در مورد موضوع، می‌تواند یکی از دلایل این کمبود باشد. پس لازم است باورها، تجربیات و ادراک استادان و دانشجویان در امر آموزش و یادگیری اثربخش در تحقیقات، مورد توجه قرار گیرد تا بتوان نتایج را در حیطه آموزشی عملیاتی نمود. به این ترتیب، رویکرد انعطاف‌پذیر و دیدگاه‌های عمیق تحقیقات کیفی، می‌تواند با کندوکاو، تفاوت‌ها و تفسیرهای دانشجویان و استادان را مشخص نماید و در روایت‌های گوناگون، دیدگاه‌ها و ادراکات استادان و دانشجویان را شناسایی کند.

دوره‌های تحصیلات تکمیلی، محل تلاقی و فصل مشترک آموزش و پژوهش در عالی‌ترین سطوح خود می‌باشد که در آن، برجسته‌ترین دانش‌پژوهان جامعه به عالی‌ترین مباحث علمی می‌پردازند. از طرفی، به کار بردن بحث گروهی، این امکان را می‌دهد تا این دانشجویان عقاید خود را بیان کنند و همچنین، ساختار مصاحبه استادان به اندازه کافی انعطاف‌پذیر خواهد بود که باعث اکتشاف یا شناسایی پاسخ‌ها و تشویق استادان بدون اجبار و محدودیت زمانی به بیان دلواپسی یا نگرانی شخصی خود باشند. بنابراین، با انجام رویکرد کیفی، بازخوردهای دانشجویان و استادان، اطلاعات ویژه‌ای را در اختیار دو طرف قرار می‌دهد که می‌توانند در بهبود کیفیت عملکرد و اثربخشی خود از آن بهره‌گیرند. همچنین، دانشجویان و مدرسین پس از دریافت این بازخوردها، نقاط ضعف خود را به تدریج برطرف می‌کنند و اثربخشی خود را افزایش می‌دهند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مطالعه باورها و رفتارهای یادگیری دانشجویان، از طریق رویکرد کیفی معرفت‌شناسی الزامی است (۲۱، ۲۲).

شرکت کننده در مطالعه، باید حداقل سه سال سابقه تدریس در مقطع ارشد و دکتری را دارا بودند.

روش جمع‌آوری داده‌ها، دست‌نوشته‌ها و انجام مصاحبه‌های فردی و گروهی به صورت نیمه ساختار یافته (Semi Structured) بود که با تعدادی سؤالات عمومی در مورد موضوع مطالعه شروع می‌شد. برخی از سؤالات با توجه به هدف مطالعه از قبل طراحی شده و برخی سؤالات عمق دهنده و اکتشافی (نظیر لطفا در این مورد توضیح دهید یا چرا و چگونه) بر اساس نوع پاسخ‌ها، برای پی بردن به عمق ادراکات و دیدگاه‌های مشارکت کنندگان ارایه گردید.

راهنمای مصاحبه شامل چند سؤال باز و کلی بود، به عنوان مثال از آنان پرسیده شد که «بر اساس تجربه خود از تحصیل در سیستم آموزشی به چه آموزشی، آموزش اثربخش می‌گویید و فاکتورهای مؤثر در آموزش اثربخش چیست؟»، یا «چالش‌های آموزش اثربخش چه مواردی است؟».

با توجه به نظرات و تجارب این دانشجویان و استادان و برای جلوگیری از اشباع زود هنگام داده‌ها، شش جلسه مصاحبه گروهی متمرکز با حضور دانشجویان ارشد، دکتری و استادان که در هر جلسه ۸-۴ نفر شرکت کننده حضور داشتند، برگزار شد. هر جلسه بحث گروهی به طور متوسط ۹۰-۶۰ دقیقه طول می‌کشید. مصاحبه‌های فردی نیز با دو نفر از استادان که به طور متوسط ۹۰-۷۰ دقیقه طول کشید، انجام شد. تمامی مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر اصلی هدایت شدند. این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف پذیر و عمیق بودن، برای پژوهش‌های کیفی مناسب است.

در مصاحبه‌های انفرادی، راهنمای مصاحبه شامل سؤالات باز بود. محور سؤالات در راستای عنوان و اهداف پژوهش و پیرامون چگونگی آموزش اثربخش بود، که به مشارکت کنندگان امکان می‌داد به تفصیل ادراکات و تجارب خود را بیان کنند. در ابتدای هر مصاحبه، از مشارکت کنندگان خواسته می‌شد در مورد نحوه اداره جلسات کلاس و کارآموزی، عوامل، شرایط و ویژگی‌هایی که موجب اثربخشی هر چه

بیشتر آموزش می‌شود، بر اساس تجارب واقعی خود با ذکر مثال صحبت کنند.

تمامی مصاحبه‌های فردی پس از تعیین وقت، در اتاق خصوصی با رعایت موازین اخلاقی انجام شد. مصاحبه‌های گروهی نیز در اتاق کنفرانس دانشکده صورت گرفت.

نهایت تلاش برای جلب اعتماد مشارکت کنندگان در مطالعه انجام پذیرفت. اهداف تحقیق برای مشارکت کنندگان بیان گردید. اطمینان داده شد که اطلاعات به طور کامل محرمانه است و فقط برای تحقیق از آن استفاده می‌شود و هویت آنان در تمام مراحل انتشار یافته‌ها مخفی خواهد ماند.

هدف استفاده از ضبط صوت برای آنان توضیح داده شد و با کسب اجازه از آن‌ها، جریان مصاحبه‌ها ضبط گردید. در صورت عدم تمایل، ضبط خاموش و از مکالمات یادداشت‌برداری شد. با هر یک از شرکت کنندگان نیز تنها یک بار مصاحبه انجام شد. تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس کلمه به کلمه نوشته می‌شد تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

تحقیق کیفی مستلزم آن است که محقق در اطلاعات غوطه‌ور شود (۲۵). برای این منظور، پژوهشگر مصاحبه‌ها را در چند نوبت به دقت گوش داد و متن دست نوشته را چند بار مرور نمود.

روایی و اعتبار داده‌ها

روایی در تحقیق کیفی به شیوه‌های متفاوت از شیوه‌های تحقیقات کمی به دست می‌آید. در تحقیقات تحلیل محتوا، محقق در صدد کسب قابلیت اعتماد (Trustworthiness) و وثوق (Authenticity) محتوی مصاحبه‌ها می‌باشد. قابلیت موثق بودن از روش‌های شناسایی تورش‌ها (Apoche)، کسب اطلاع از افراد با تجربه (Peer debriefing)، تصدیق شرکت کنندگان (Participant verification) و تکرار خواندن بررسی‌های مکرر متون پیاده شده به دست می‌آید. برای تأمین اعتبار و مقبولیت داده‌ها در این مطالعه، بخشی از داده‌ها، که از قبل کدهای آن‌ها توسط محققین استخراج گردیده بود، بار دیگر در اختیار یک ناظر خارجی که صاحب‌نظر در تحقیق

دسته‌بندی شدند. همچنین، در این پژوهش در قسمت نتایج، محقق برای توضیح بیشتر و روشن کردن مفاهیم از گروه استفاده کرد.

ملاحظات اخلاقی

موازین اخلاقی شامل کسب رضایت‌نامه آگاهانه شفاهی و کتبی، گمنام ماندن، محرمانه بودن اطلاعات، حق کناره‌گیری در زمان دلخواه و اخذ مجوز از دانشگاه علوم پزشکی کرمان نیز رعایت شدند. شایان ذکر است که اسامی افراد و رشته‌های تحصیلی که در متن نتایج آورده شده است، واقعی نیستند.

یافته‌ها

در این مطالعه، طیف سنی مشارکت کنندگان ۲۵-۵۵ سال بود. ۲۷ نفر مشارکت کنندگان متأهل و ۹ نفر مجرد بودند. مشارکت کنندگان شامل ۳۲ نفر دانشجو از مقطع ارشد و دکتری و ۴ نفر استاد (۲ نفر استادیار، ۱ نفر دانشیار و ۱ نفر استاد تمام) بودند. ۲۰ نفر از دانشجویان شاغل و بقیه فقط دانشجو بودند (جدول ۱). در مجموع، ۱۰۶۶ کد اولیه استخراج گردید که در طول تحلیل رویدادهای مشابه در یک گروه طبقه‌بندی گردید.

کیفی بود، قرار گرفت و از او خواسته شد که کدهای متن را استخراج نماید تا مشخص گردد آیا او نیز درک مشابهی از داده‌ها دارد یا نه. سپس، این دو گروه کد، مورد مقایسه قرار گرفت. مقایسه کدهای به دست آمده توسط محققین و ناظر خارجی، نشان داد ۹۰ درصد توافق وجود دارد.

همچنین، از روش کنترل عضو (Member checking) نیز استفاده گردید؛ بدین صورت که کدهای استخراج شده از متون تا جایی که امکان داشته باشد، برای تصدیق به مشارکت کنندگان در پژوهش ارایه گردید تا اطمینان حاصل گردد که کد استخراجی از متن مصاحبه‌ها با آن چیزی که مورد نظر مشارکت کنندگان در مصاحبه بود، هماهنگی دارد و در صورت عدم توافق، اصلاحات صورت گرفت.

تجزیه و تحلیل

در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل داده‌ها به طور هم‌زمان با جمع‌آوری آن‌ها و با روش تحلیل محتوا صورت گرفت. در این روش، ابتدا با خواندن مکرر متون برای غوطه‌ور شدن در آن‌ها یک حس کلی ایجاد شد و سپس متون، کلمه به کلمه خوانده شدند تا کدها استخراج شوند. این فرایند به طور پیوسته از استخراج کدها تا نام‌گذاری آن‌ها ادامه یافت. سپس، کدها بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان به داخل طبقات

جدول ۱: اطلاعات دموگرافیک مشارکت کنندگان در پژوهش

تعداد	طیف سنی	جنس	رتبه علمی	شاغل بودن
۱۸ نفر	۲۵-۳۵	۱۳ مرد ۵ زن	دانشجوی ارشد	۱۳ نفر شاغل
۱۴ نفر	۲۸-۴۱	۸ مرد ۶ زن	دانشجوی دکتری	۷ نفر شاغل
۷ نفر	۳۲-۵۵	۵ مرد ۲ زن	استاد	۷ نفر شاغل

و عوامل غیر مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش (سطح کلان) از دیدگاه دانشجویان و استادان شد. از دیدگاه دانشجویان و استادان، عوامل مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش شامل عوامل

در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های فردی و گروهی با شرکت کنندگان، منجر به استخراج دو درون‌مایه اصلی شامل عوامل مستقیم (سطح خرد)

مرتبط با دانشجو (مخاطب)، استاد، محیط آموزشی و انگیزه
پیشرفت تحصیلی بود و عوامل غیر مستقیم شامل عوامل
مربوط به سیستم آموزشی کشور، سیستم ارزشیابی و پایش
دانشجو و عوامل اقتصادی بودند (جدول ۲).

جدول ۲: مضامین اصلی، فرعی و کدهای منتخب استخراج شده از مصاحبه‌های گروهی و فردی استادان و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در مورد ویژگی‌های آموزش اثربخش

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای منتخب
عوامل مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش (سطح خرد)	عوامل مربوط به دانشجو	جنسیت (برتری دختر)، سن، تأهل، محل سکونت (خوابگاه، غیر خوابگاه)، درگیری (مشغله زیاد، شغل)، شخصیت، برقراری ارتباط محترمانه با استاد، هوش، درک، هدف، انگیزه و علاقه، پرتلاش و فعال بودن، پشتکار، مشارکت، کاربردی بودن تحصیل، استفاده صحیح از موقعیت‌های تحصیلی، علاقمند بودن به رشته تحصیلی
	عوامل مربوط به استاد	شیوه تدریس، مهارت، تجربه، به‌روز بودن استاد، انتقال منظم مطالب، جمع‌بندی نکات کلیدی، تشویق و ترغیب، ایجاد رقابت بین دانشجویان، رفتار، شخصیت، دیدگاه و تفکرات، تواضع، علاقمندی، اخلاق، دلسوزی، عدم سرزنش، طرز پوشش استاد، ارتباط صمیمانه استاد با دانشجو، درک و نحوه تعامل با دانشجو
	محیط آموزشی	دما، نور، تهویه، فضا، امکانات آموزشی، تسهیلات رفاهی از جمله صندلی راحت
	انگیزه پیشرفت تحصیلی	عدم انگیزه مانعی برای یادگیری، عدم انگیزه با وجود روش خوب آموزشی، انگیزه داشتن سبب پیگیری درس، عدم تلاش بیشتر استاد برای دانشجویان بدون انگیزه، نقش استاد در ایجاد انگیزه (از دیدگاه دانشجو)، عدم نقش استاد در ایجاد انگیزه (از دیدگاه استادان)، عدم نقش سخت‌گیری در ایجاد انگیزه
عوامل غیر مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش (سطح کلان)	عوامل مربوط به سیستم آموزشی کشور	کاربردی بودن آموزش، مهارت‌آموزی دانشجو، تخصصی شدن دانشجو، تغییر سیستم آموزشی از ابتدا، مشخص بودن سرفصل درس‌ها، طرح درس، برنامه‌ریزی برای هر ترم دانشجو، قیف وارونه، ورود سخت و خروج آسان دانشجو، دانش‌جو بار آوردن دانشجویان
	عوامل مربوط به سیستم ارزشیابی و پایش دانشجو	مفید نبودن فقط آزمون پایان ترم، نمره ترکیبی از فعالیت‌های کلاس و پایان ترم، تأثیر مشارکت کلاسی در نمره، امتحان انگیزه مطالعه کردن، تأثیر غیبت در نمره، نمره برای موارد عدم غیبت، نمره برای تشویق، اجباری بودن و نبودن حضور در کلاس، حضور در کلاس از روی علاقمندی، سخت‌گیری متعادل، سخت‌گیری در موارد دیگری نظیر ارایه خلاصه و تکلیف، وجود قوانین «غیبت بیش از دو جلسه مجاز نیست»، محدودیت غیبت نشانه نظم و اهمیت
	عوامل مربوط به مسائل اقتصادی	مشکلات مالی و اقتصادی، عدم وجود خوابگاه، عدم تمکین مالی و بورس تحصیلی دانشجو، نبودن آینده شغلی برای دانشجو، بی‌کاری بعد از فراغت از تحصیل، تأمین مالی استادان راهنما جهت کمک به دانشجو

بودن، با یکدیگر متفاوت بودند و این را به عنوان عامل مهمی در یادگیری و آموزش اثربخش ذکر کردند. همچنین، گروهی دیگر، معتقد بودند که نه تنها هوش، بلکه پشتکار و مشارکت فعال دانشجو در بحث‌های گروهی عوامل مهم‌تری می‌باشند.

در این خصوص، دانشجوی شماره ۳ دکتری در این خصوص اظهار کرد که «... من فکر می‌کنم IQ (ضریب هوشی) خیلی اهمیت دارد، در مرحله بعد اون مطلبی که به فرد یاد داده می‌شه، یا فرد داره یاد می‌گیره، در حد توانش باشه، یه ذره حالا بالاتر از توانش می‌تونه باشه، اما یه چیزی که خیلی بیشتر از حد توان و هوش اون فرد باشه، خیلی نمی‌تونه باعث بشه که فرد یاد بگیره...».

در مقابل، دانشجوی شماره ۵ دکتری که نقش پشتکار را مهم می‌دید در این خصوص اظهار کرد که «... IQ (ضریب هوشی) یه عامل لازم هست، اما کافی نیست؛ در کنارش باید پشتکار باشه، اما به عنوان یه عاملی که ترغیب می‌کنه فرد رو...».

عوامل مربوط به استاد (مدرس): از دیدگاه دانشجویان عامل دیگر از دسته عوامل مستقیم مرتبط بر آموزش اثربخش، عوامل مربوط به استاد می‌باشد. به طور کلی، در این خصوص، عوامل حرفه‌ای استاد از جمله شیوه تدریس، مهارت، تجربه، به‌روز بودن استاد و استفاده از تکنولوژی نوین آموزشی در امر تدریس، ویژگی‌های شخصیتی و فردی استاد مانند رفتار و شخصیت، دیدگاه و تفکرات، تواضع، علاقمندی، اخلاق، دلسوزی و طرز پوشش استاد و خصوصیات ارتباطی با دانشجو از جمله ارتباط صمیمانه استاد با دانشجو و درک و نحوه تعامل با دانشجو و الگوبرداری دانشجو از استاد، نقش پیدا می‌کند.

شیوه تدریس استاد و استفاده از وسایل کمک آموزشی، تجربه و سواد استاد، جزء عوامل مهم در آموزش اثربخش تلقی شدند که در رابطه با سبک تدریس استاد، دانشجویان بر استفاده از بحث گروهی و یادگیری مشارکتی و استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی تأکید داشتند.

به طور کلی، هر دو گروه دانشجویان و استادان دو دسته عوامل مستقیم و غیر مستقیم را در نظر گرفتند، با این تفاوت که استادان و دانشجویان، وزن‌های متفاوتی را به زیر طبقات گوناگون دادند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

دیدگاه دانشجویان:

عوامل مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش

عوامل مربوط به دانشجو: از سری عوامل مستقیم مرتبط با دانشجو، می‌توان از عوامل مرتبط با خود دانشجو (مخاطب) نام برد که خود متأثر از عواملی نظیر ویژگی‌های فردی و شخصیتی می‌باشد.

در این خصوص، دانشجویان مسایلی از جمله داشتن شغل (کارمند بودن دانشجو)، متأهل بودن و غیر بومی بودن (سکونت در خوابگاه) را عواملی برای کاهش وقت برای مطالعه و یادگیری اثربخش می‌دانستند.

بر این اساس، دانشجوی شماره ۲ کارشناسی ارشد، در بحث گروهی ذکر کرد که «... یعنی دانشجویهایی که کارمند هستن، مثل ما آموزش‌های خوبی ندارند؛ یعنی در واقع خیلی از وقتاشون و انرژی‌شون صرف کارهای دیگه میشه، صرف رفت و آمدشون، صرف کارشون، زندگی‌شون، در واقع اگر حتی محیط دانشگاهی هم محیط خوبی باشه، به خاطر مشغله‌ای که زیاد هستن، مثل من که ۸ صبح رسیدم خواب هم توی چشمم بود، ۱۵ ساعت هم توی راه بودم، اگه استاد هم باسواد باشه، ذهن من آماده نیست که آموزش لازم رو ببینه...».

همچنین، دانشجوی شماره ۴ کارشناسی ارشد در بحث گروهی در تأکید بر اثرات درگیری‌های شغلی بر جلوگیری از آموزش مؤثر، اظهار کرد که «... واقعا خستگی، واقعا فشار خیلی زیاده، الان مثلاً من کارمند بودم، شاغلم، بچه‌های دیگه بهداشتی هستن، اما من درمانی‌ام، زن و بچه هست، سختی کار هست، اینا همشون روی آموزش تأثیر می‌ذارن...».

علاوه بر این، گروهی از دانشجویان معتقد بودند که دانشجویان از لحاظ هوش، درک، علاقمندی، انگیزه و فعال

در بحث گروهی اظهار کرد که «... مثلاً وقتی به دانشجویی ضعیف هستش، استاد این قدر توانایی داشته باشه که با این دانشجو به رابطه فوق‌العاده دوستانه و صمیمی برقرار کنه، ببینه واقعا دردش چیه که واقعا این عملکردش این قدر پایینه، واقعا چه مشکلی داره تو زندگیش که مثلاً دیگه دنبال این نیست که مثل قبل درس بخونه، ... حتی همین توجهی که استاد به دانشجو داره، می‌تونه تأثیر بذاره رو انگیزش، میتونه تأثیر بذاره که مثلاً همون مسیر قبلی رو طی بکنه...».

همچنین، در این راستا دانشجوی شماره ۸ کارشناسی ارشد در بحث گروهی اظهار کرد که «... دانشجو جرأت داشته باشه حرف بزنه، ... مثلاً ما بحث گروهی رو توی کلاس‌مون فقط با خانم دکتر قاسمی داریم، با کلاسای دیگه راحت نیستیم...».

در تأیید اظهارات دانشجوی شماره ۸، دانشجوی شماره ۲ کارشناسی ارشد نیز بیان کرد که «... جرأت نمی‌کنیم چیزی رو که می‌خوایم، چیزی رو که تو ذهنمون هست، اظهار کنیم؛ چون می‌ترسیم ضایع بشیم یا به یه نحوی یه گیری به ما بدن، بیزار می‌شیم از این اظهار نظر کردنمون. دانشجو با سی یا سی و خرده‌ای سال سن، پدر دو تا بچه، توی شهر خودش برای خودش کسبه، اما مثلاً سر کلاس که میاد مثلاً باید از ترس بلرزه...».

در خصوص توافق با عدم تبعیض بین دانشجویان از طرف استادان، دانشجوی شماره ۴ دکتری در بحث گروهی اظهار نمود که «... تبعیض نباشه بین دانشجویها، خیلی از کلاس‌ها در این مقطع، اما ما دیدیم مثلاً استادان بین دانشجویها تبعیض قایل شدن... بین چندتا دانشجویها، از یه گروه بیشتر خوشم میاد از اون که خوشم نمیاد می‌خوام تظاهر کنم که مثلاً همچین مسأله‌ای نیست باز هم نمی‌تونم و یه جورایی اینا نمود پیدا می‌کنه...».

عوامل مربوط به محیط آموزشی: از دیگر عوامل مستقیم تأثیرگذار بر آموزش اثربخش از دیدگاه دانشجویان، عوامل مربوط به محیط آموزشی از جمله فضا، تسهیلات، تهویه، نور و دمای مناسب بود.

در این خصوص، دانشجوی شماره ۷ کارشناسی ارشد در بحث گروهی اظهار نمود که «... اول به خلاصه کوچکی از مبحثی که می‌خواد گفته بشه بگه، بعد توضیحات کامل داده بشه، این که مثلاً از وسایل صوتی و اسلاید و پاورپوینت استفاده بشه توی آموزش، بعد بحث گروهی بشه در انتهای آموزش، همه شرکت کنن توی اون مبحث و حالا یک سری سؤالات هم داده بشه که مثلاً توی جلسه بعدی که شرکت می‌کنن، افراد به اون سؤالات جواب بدن...».

در همین راستا، دانشجوی شماره ۴ کارشناسی ارشد در همین بحث گروهی بیان کرد که «... یه بحث گروهی چهار و پنج نفره ما که Discussion (بحث) داریم، Teaching (تدریس) هم توش هست، یه چیزی رو که با هم بحث کردیم، بعد من همونو به زبون خودم بیان می‌کنم و بعد دوستم به زبون خودش بیان می‌کنه این تا ۹۵ درصد اثر داره، ... اما Teaching (تدریس) و Discussion (بحث) که این قدر میزان بازدهی رو می‌بره بالا، با هم ترکیب کنیم، واقعا بعدش خیلی موفقیم...».

همچنین، دانشجویان اشاره کردند که برخورد استاد با دانشجو و ایجاد یک رابطه دوستانه، صمیمی و نگرش مثبت نسبت به دانشجو و عدم تبعیض بین دانشجویان، از جمله عوامل مشوق دانشجو جهت یادگیری و آموزش اثربخش می‌باشند. البته شایان ذکر است که اکثریت دانشجویان با اظهارات سایر دانشجویان در مورد تعاملات مناسب استاد با دانشجو اتفاق نظر داشتند.

در این خصوص، دانشجوی شماره ۵ کارشناسی ارشد در بحث گروهی اظهار کرد که «... مثلاً رابطه دوستانه‌ای با دانشجو برقرار کنه، یک حسی ایجاد می‌شه توی دانشجو که ناخودآگاه دنبال مطلب می‌ره؛ یعنی احساس می‌کنه اگه نخونه اون رابطه دوستانه دچار اختلال می‌شه و این رو دوست نداره...».

دانشجوی شماره ۶ دکتری نیز در رابطه با نحوه تعامل استاد با دانشجو و برقراری یک ارتباط دوستانه و صمیمی با دانشجو

سیستم در ایجاد انگیزه برای یادگیری و مسایلی نظیر معیار ورود و خروج اشاره شد.

در این خصوص، دانشجوی شماره ۳ کارشناسی ارشد در بحث گروهی اظهار کرد که «... این می‌گه من الان وارد شدم و یه پرستار می‌شم، خیالش راحت و دنبال این که مطالعه کنم، تحقیق کنم نیستم. اما اونیه که واقعاً این جوریه که اگه نرم کم بشه، می‌افتم، مجبور می‌شه یا انگیزه داره یا به اجبار می‌ری می‌خونی یا انگیزشو داری که بری پرستار بشی...».

در همین راستا، دانشجوی شماره ۱۰ کارشناسی ارشد اظهار نمود که «... من الان فقط یه سد دارم به نام کنکور، من مطمئن می‌خواین الان کلاسام نمیام اما ارشدمو می‌گیرم...».

۲-۲- عوامل مربوط به سیستم ارزشیابی و پایش دانشجوی: همچنین، در این پژوهش سیستم ارزشیابی و پایش دانشجوی به شکل امتحان، نمره‌دهی و قوانین حضور و غیاب مورد نقد قرار گرفت.

در این باب، گروهی از دانشجویان امتحان و نمره را روشی غیر مؤثر برای ایجاد انگیزه در درس خواندن دانستند، در حالی که گروه دیگری آن را روشی کمک کننده در امر یادگیری و آموزش اثربخش دانستند.

در این خصوص، دانشجوی شماره ۱۵ کارشناسی ارشد بیان کرد که «... من فکر می‌کنم امتحان پایان ترم باید گرفته بشه، من فکر می‌کنم این یه تلنگری می‌شه که آدم مطالعه کنه. مثلاً ما درس آمارمون آقای دکتر گفت این جلسه آزمون هست، ما خوندم باز گفت جلسه بعد، ما باز خوندم و برای ما خیلی موفقیت‌آمیز بود، امتحان اگه باشه چون آدم مجبور می‌شه بیشتر می‌خونه...».

در مقابل، دانشجوی شماره ۷ کارشناسی ارشد اظهار نمود که «... اما مثلاً اگه استاد یه آیت‌هایی رو همون اول واسه ما قانون بذاره، ... آیت‌های کلاسی، پایان ترم برای من اهمیت داره، کار کلاسی اهمیت داره، کارهای جانبی انجام دادی برا من اهمیت داره و صرفاً نمره پایان ترم نیست... وقتی استاد این شکلی موضوع رو بیان می‌کنه، راحت‌تریم با استاد، زیاد

در این خصوص، دانشجوی شماره ۲ کارشناسی ارشد (ضمن این که بر روی یه صندلی غیر مناسب نشسته بود و به سختی تکان می‌خورد) اظهار نمود «... همین صندلی‌هایی که تو کرمان وجود داره، اصلاً مناسب دانشجویها نیست، دانشگاه علوم پزشکی ایکس واقعاً صندلی‌هایی داره ۲ ساعت ۳ ساعت بشین اصلاً هیچ، خوابت می‌بره، خیلی عالیه... صندلی هاشون مبله است، جادستی داره...».

انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجوی: در این پژوهش دانشجویان بر انگیزه پیشرفت تحصیلی و عوامل متعددی که بر آن تأثیرگذار است، اشاره کردند. اما نکته قابل توجه این بود که بر خلاف دیدگاه استادان، دانشجویان شرکت کننده نقش استادان را در ایجاد انگیزه تحصیلی بسیار مؤثر می‌دانستند.

در این خصوص، دانشجوی شماره ۱۱ کارشناسی ارشد در بحث گروهی اظهار کرد که «... این جا نقش استاد خیلی مهمه که بتونه توی نگرش و انگیزه دانشجو تأثیر بذاره...».

همچنین، دانشجوی شماره ۷ کارشناسی ارشد در بحث گروهی در رابطه با نقش استاد در ایجاد انگیزه اظهار کرد که «... یه سری آیت‌هایی هست که استاد اگه اونا رو دونه دونه بدونه، می‌تونه خوب به دانشجو انگیزه بده... اگه استاد بگه شما این جوری هستید، این شخصیتو دارید، به این خاطر من شما رو دوست دارم... مثلاً احساس می‌کنم این توصیفی که مد نظر استاده باعث می‌شه دانشجو بره خودشو بسازه، می‌گه شما این جوری هستید، این جوری هستید، این باعث می‌شه دانشجو انگیزه بگیره. استاد که این طور توصیفش می‌کنه، دانشجو مجبور می‌شه خودشو بسازه تا به اون آیت‌ها برسه...».

عوامل غیر مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش:

۲-۱- عوامل مربوط به سیستم آموزشی کشور: دسته دوم از عوامل مهم مؤثر بر روی یادگیری و آموزش اثربخش از دیدگاه دانشجویان، می‌توان به عوامل غیر مستقیم از جمله عوامل مربوط به سیستم آموزشی کشور اشاره کرد. در زمینه سیستم آموزشی کشور به عوامل مختلفی از جمله عدم توانایی این

(نتیجه) می‌خواد برسه، بالاخره فردا فارغ‌التحصیل می‌شه. آیا واقعا براش یه جایگاه خاصی در نظر گرفته می‌شه یا نه؟ یا در حد یک پرستار هست یا نه؟ منظور فرصت شغلیه دیگه...».

در همین راستا، دانشجوی شماره ۱۲ کارشناسی ارشد نیز اظهار نمود که «... انگیزه دانشجوی واسه قشر کارمندش باز بیشتره، چون بحث ارتقای شغلی رو دارن. تو این قضیه، چون بر اساس نوع چیزی که دانشجو داره، متفاوته و ما نمی‌تونیم بگیم انگیزه دانشجویی طبعاً واسه کسی که کارمنده متفاوته...».

دیدگاه استادان:

گرچه استادان هم آموزش اثربخش را تحت تأثیر عوامل مستقیم و غیر مستقیم می‌دانستند، اما بین نظرات آن‌ها و دانشجویان، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مشاهده شد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

عوامل مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش

۱-۱- عوامل مربوط به دانشجو: بر طبق نظر استادان، از جمله عوامل مستقیم مؤثر در امر یادگیری و آموزش اثربخش، می‌توان به عوامل مرتبط با خود دانشجو اشاره کرد. در این رابطه، استادان به ویژگی‌های فردی دانشجو از جمله پرتلاش و فعال بودن، استفاده صحیح از موقعیت‌های تحصیلی، علاقمند بودن به رشته تحصیلی و واحد درسی، وضعیت تأهل، جنسیت (برتری دختر)، سن، برقراری ارتباط محترمانه با استاد، درک و هدف از تحصیل اشاره کردند. در این خصوص، جملات زیر برگرفته از قسمتی از مصاحبه‌های استادان می‌باشد.

استاد شماره ۱ در مصاحبه فردی اظهار کرد «... من احساس می‌کنم نقش کلیدی رو خود دانشجو داره، چقدر درک کرده، اصلاً برا چی اومده، من بعضی کلاس‌ها که می‌رم می‌گم بچه‌ها شما اصلاً برا چی اومدین دانشگاه، واقعاً چرا دارین درس می‌خونین...؟».

استاد شماره ۳ نیز در بحث گروهی اظهار کرد که «... گاهی وقتاً مثلاً تو کشور ما وضع تأهل باعث می‌شه بهتر یا گاهی بدتر، در مجموع احساس می‌کنم دخترا بیشتر تلاش می‌کنن احساس می‌کنم پسرا کمتر تلاش می‌کنن. در مجموع به نظر

ذهنت مشغول این نیست که یه اتفاقی ممکنه بیفته، امتحان پایان ترم رو ممکنه خراب کنم، کل درسمو ممکنه بیفتم. این ذهنیت دیگه خارج می‌شه از ذهنمون...».

دانشجوی شماره ۶ کارشناسی ارشد نیز بیان کرد «... من خودم شاید ۷۰ درصد درس‌مو بدون این که هیچی ازش بفهمم با نمره خوب پاس کردم، اون خیلی فرق می‌کنه با اینکه تو یه درسیو یاد بگیری و نمرتم پایین باشه. به نظر من این دومی ارزشش بیشتر هست...».

در این پژوهش، همچنین از دیگر عوامل مربوط به سیستم ارزشیابی و پایش دانشجویان، حضور و غیاب دانشجو بود که مورد بحث قرار گرفت.

در این زمینه، دانشجوی شماره ۸ کارشناسی ارشد در حمایت از وجود سیستم حضور و غیاب بیان کرد که «... آقای احمدی می‌گه تحت هیچ شرایطی نباید اجبار باشه، ما می‌گیم قبول، اجبار خوب نیست؛ اما نظام آموزشی ما که از اول ابتدایی تا حالا این جور بار اومدیم، واقعاً این که اصلاً هیچ شرطی نباشه، جواب نمی‌ده...».

در مقابل دانشجوی شماره ۹ کارشناسی ارشد در مخالفت با سیستم حضور و غیاب در مقطع تحصیلات تکمیلی اظهار کرد که «... خود استاد تعیین تکلیف نکنه، باید بیابین اگه نیابین این جور می‌شه، ال می‌شه بل می‌شه... حق انتخاب به دانشجو داده بشه. اگه بیایی مثبت، اگه نیایی نمی‌گیری دیگه، یعنی خودت تشخیص بدی بیایی یا نیایی این خیلی مهمه...».

۲-۳- عوامل مربوط به مسایل اقتصادی: از دیگر عوامل غیر مستقیم تأثیرگذار بر آموزش اثربخش، می‌توان به عوامل اقتصادی اشاره کرد. برخی از دانشجویان اظهار کردند که نبود آینده شغلی و وجود بی‌کاری بعد از فراغت از تحصیل، که می‌تواند مشکلات اقتصادی جدی ایجاد کند، عامل مهم بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی می‌باشد.

در این مورد، دانشجوی شماره ۱۰ کارشناسی ارشد بیان کرد که «... انگیزه خیلی مهمه، هم این که آینده‌ای داشته باشی، یعنی از این مقطع تحصیلی که داره میاد به یه Out put

میزان علاقمندی‌ش به درسی که داره ...، مثل این که فرض بکنیم استاد اشتیاق اینو داشته که دانشجو رو ترغیب کنه ...».

۱-۳- عوامل مربوط به محیط آموزشی: استادان نظیر دانشجویان بر روی عوامل محیط آموزشی به عنوان عامل مستقیم تأثیرگذار بر آموزش اثربخش تأکید کردند و به عواملی مانند دما، نور، تهویه، فضا (تعداد دانشجو متناسب با فضا)، امکانات آموزشی، تسهیلات رفاهی و غیره اشاره کردند.

۱-۴- انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجو: در مجموع، از دیدگاه استادان از میان عوامل مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش، انگیزه پیشرفت تحصیلی خود دانشجو برای یادگیری به شکل عمده‌ای تأثیرگذار دیده شد.

جملات زیر برگرفته از مصاحبه‌های فردی و گروهی استادان در رابطه با یک عامل تأثیرگذار مهم یعنی انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجو بر آموزش اثربخش می‌باشد.

استاد شماره ۷ در بحث گروهی اظهار کرد که «... من تقریباً می‌تونم بگم ۸۰ درصد دانشجویهایی که سر کلاسشون رفتم، به نظر خودم میاد هیچ انگیزه‌ای ندارند. وقتی به آدمی انگیزه نداره، تو چه بهترین سطح آموزشی رو پیاده بکنی، چه بی‌تفاوت بری سر کلاس، هیچ فرقی نمی‌کنه. چون کلا دانشجو تو دنیای خودش، گوش نمی‌ده مثلاً دانشجوی PhD (دکتری تخصصی) هست، از خدایه کلاس تشکیل نشه، یعنی انگیزه‌ی خودشو از دست می‌ده ...».

همچنین، استاد شماره ۴ در مصاحبه فردی اظهار کرد که «... مثلاً شما فکر کنید من به عنوان یه استاد ممکنه یه دوره‌هایی حوصله داشته باشم به دانشجو گوش کنم، اما بعد از یه مدتی دیدی به این نتیجه رسیدم دانشجویی که انگیزه نداره، دانشجویی که به اجبار اومده تو این رشته، دانشجویی که از روی ناچاری اومده تو این رشته، چرا من باید با اون کار کنم؟، دانشجو اگر دانشجویه، باید بجویه، خودش باید دنبالش بگرده ...».

میاد یا انگیزه بیشتری دارن، می‌دونید دخترا تلاششون به نظر من از پسرا بیشتره ...».

همچنین، استاد شماره ۶ در بحث گروهی اظهار کرد که «... و یه نکته دیگه این که دانشجو چقدر خودش زبله، گاهی وقتاً یه دانشجو میاد، دانشجو چجوری خودش می‌تونه نفع ببره توی همچین محیطی، توی همچین شرایطی، دانشجو خودش سمج باشه، محترمانه سمج باشه؛ یعنی این که خود دانشجو پیگیری کنه. کارایی رو که بهش می‌گن با دل و جون پیگیری کنه ...».

در همین راستا، استاد شماره ۴ در بحث گروهی اظهار کرد که «... دانشجو زورکی اومده رشته بهداشت عمومی صرفاً چون قبول شده، شانسی بوده، نگاه نکرده ببینه چی دوست داره یا درسی که استاد داره می‌گه اصلاً مورد علاقه‌ش نیست، این به زور اومده نشسته ...».

همچنین، استاد شماره ۵ در مصاحبه با تأکید بر داشتن مهارت‌های ارتباطی دانشجو به شکلی که بتواند با استادش رابطه‌ای بر پایه ادب و احترام ایجاد کند، اظهار کرد که «... دانشجویی که آداب معاشرتش خوب باشه؛ روابط بین فردیش خوب باشه؛ استاد هم یه انسانه؛ چطور می‌شه استاد به یه دانشجو جذب می‌شه؟ یکی به خاطر ویژگی‌های فردی اون دانشجو و روابط فردیش، احترامش، ادبش. این مهم نیست دانشجو چقدر بلده ...».

۱-۲- عوامل مربوط به استاد (مدرس): از دیدگاه استادان شرکت کننده در این پژوهش، عامل مستقیم دیگر مؤثر بر آموزش اثربخش، ویژگی مربوط به خود استاد بود که می‌توان به برخورد استاد، تجربه، شیوه تدریس، سواد، به‌روز بودن، علاقمندی استاد، ترغیب کردن دانشجو و ایجاد رابطه دوستانه با دانشجو را نام برد.

در این خصوص، استاد شماره ۳ در بحث گروهی بیان کرد که «... من فکر می‌کنم که یک سری عواملی که وجود داره، بر می‌گرده به استاد، مثل مثلاً نحوه تدریسش، تجربه خود استاد،

هستند که خود شامل سیستم آموزشی کشور، ارزشیابی و پایش و همچنین عوامل اقتصادی می‌باشند.

۱-۲- عوامل مربوط به سیستم آموزشی کشور: در این خصوص، استادان بر سیستم آموزشی کشور در ارتباط با معیار جذب و فارغ‌التحصیلی دانشجویان انتقاداتی وارد کردند که از دید استادان بر آموزش اثربخش تأثیر داشت.

در این رابطه، استاد شماره ۲ در مصاحبه گروهی اظهار کرد که «... ببینید ما الان می‌گیم استانداردمون برای جذب اینه خب داریم می‌گیم اولاً معیار قبولیش اینه با این نمره وارد بشه ...، دوم می‌یایم یه سری واحدهای اجباری برای همه می‌ذاریم، افراد دوباره بدون علاقه میان سر کورس‌هایی می‌شینن که اصلاً به دردشون نمی‌خوره...، سوم ما سیستم آموزشیمون با عدم فارغ‌التحصیلی خیلی کمه. کم پیش میاد که کسی رو فارغ‌التحصیل نکنن؛ در نتیجه، این انتظار وجود داره که همه فارغ‌التحصیل بشن. چه انگیزه‌ای برای اون که علاقه داره وجود داره چه بخونه چه نخونه؛ یعنی منظورم اینه. درسته ما گذاشتیم اما به همه اینا ایراد وارده. پس همه این Criteria (معیار) که گذاشتیم به همش ایراد وارده...».

استاد شماره ۳ نیز در بحث گروهی بیان کرد که «... توی فرهنگ دانشگاهی ما این جا افتاده که تو کنکور چه ارشد چه دکتری و حتی کارشناسی، یه قیف وارونه هست. در سایر کشورها قیف هست؛ یعنی فرد از طرف گشادش وارد می‌شه و از اون طرف بیرون رفتنش با خودش یعنی باید تلاش بکنه تا بتونه از اون سوراخ ریز خارج بشه، اما تو کشور ما نه، قیفمون وارونه است، ما که می‌خوایم وارد شیم قیفه تنگه. هستیم ما گل سر سبیدیم و این توشون جا افتاده به هر دلیلی تو هر گروهی ... این متأسفانه جا افتاده که حتی گروه خود ما این اشکال وجود داره که ما درصدد رفعش هستیم. این جا یه قیف وارونه نیست، ممکنه یکی پنج سال، ده سالم بیاد و فارغ‌التحصیل هم نشه، این رو ما داریم روش کار می‌کنیم که چه مکانیزمی خوبه و بهتره استفاده کنیم. البته هم انگیزه اون‌هایی که علاقمند به درس هستن هم بیشتر بشه و هم اون‌هایی که

در این پژوهش در پاسخ به این که سخت‌گیری چقدر می‌تواند بر انگیزه تحصیلی دانشجویان مؤثر باشد، اکثریت استادان بر این عقیده بودند که سخت‌گیری و اجبار، عاملی برای افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجویان نمی‌باشد، اما می‌تواند دانشجویان را وارد به فراگیری مطالب درسی کند.

در این خصوص، استاد شماره ۳ نیز در بحث گروهی اظهار کرد که «... سخت‌گیری انگیزه دانشجویان رو زیاد نمی‌کنه، اما دانشجویان رو مجبور می‌کنه. انگیزه داشتن یعنی دانشجویان بدون این که تو مجبورش کنی، خودش دنبال یادگیری باشه. سخت‌گیری نقش داره، اما نقشش خیلی کمه...».

نکته حایر اهمیت این است که با وجود تأکید زیاد دانشجویان بر نقش استاد در ایجاد انگیزه در یادگیری، استادان نقش خود را در ایجاد انگیزه کمتر و نقش دانشجویان را در ایجاد انگیزه در استاد برای ارایه آموزش مؤثر پررنگ می‌دیدند.

در این زمینه، استاد شماره ۶ در بحث گروهی اظهار کرد که «... به نظرم استاد تو ایجاد انگیزه خیلی نمی‌تونه کمک کنه، یعنی یه عواملی خارج از اون کلاس باید ایجاد انگیزه کنه، خود گروه رشته، چه می‌دونم یه کارایی خارجی، چون به نظرم خود استاد خیلی نمی‌تونه شاید ۵ یا ۱۰ درصد بیشتر نمی‌تونه انگیزه بده، این چیزیه که من دیدم و تو گروه‌های دیگه این جوریه بوده...».

استاد شماره ۲ نیز در رابطه با نقش استاد در ایجاد انگیزه برای دانشجویان در بحث گروهی اظهار کرد که «... به نظر من تأثیر نداره...».

همچنین، استاد شماره ۴ در رابطه با نقش دانشجویان در ایجاد انگیزه در استاد در بحث گروهی اظهار کرد که «... دانشجویان به استاد انگیزه می‌ده، وقتی ازش سؤال می‌کنی جواب می‌ده، وقتی که نه، این که یه فرد خاصی من مد نظرم نیست، کل کلاس که به استاد انگیزه می‌ده...، اما رفتار دانشجویان به استاد انگیزه می‌ده...».

عوامل غیر مستقیم مرتبط با آموزش اثربخش: از دیدگاه استادان شرکت‌کننده، دسته دیگر از عوامل، عوامل غیر مستقیم

از عوامل ذکر شده، خود در برگیرنده عواملی تحت عنوان زیر مجموعه‌ها بودند، که آن‌ها نیز در امر آموزش و یادگیری اثربخش، دارای تأثیر هستند و نباید از آن‌ها غافل بود.

همان‌طور که در قسمت نتایج مشاهده شد، استادان و دانشجویان در مورد برخی آیتم‌ها نظیر عوامل فردی دانشجویان و عوامل مربوط به استاد و همچنین محیط آموزش، اتفاق نظر داشتند.

در این پژوهش، از جمله عوامل مستقیم مؤثر بر آموزش اثربخش، که هم دانشجویان و هم استادان به آن اشاره کردند، عوامل مرتبط با خود دانشجو بود. در این میان، شرکت کنندگان اظهار کردند که خصوصیات شخصیتی و فردی دانشجو مثل درک، هوش، انگیزه و علاقه، فعال بودن، وضعیت تأهل، بومی بودن و جنسیت (برتری دختر) بر یادگیری و آموزش اثربخش تأثیرگذار است. در این راستا، طلایی و حکمت‌پو در مطالعه خود نشان دادند که شرایط فردی از جمله علاقمندی و انگیزه دانشجو به عنوان عوامل مؤثر بر یادگیری فعال و اثربخش هستند و تمامی دانشجویان شرکت کننده در مطالعه به اهمیت و نقش آن‌ها اذعان کردند (۲۶). همچنین، میرمحمودی میبیدی و همکاران نیز نشان دادند که طیف وسیعی از متغیرها شامل دموگرافیک و فردی (از قبیل سن، جنس، وضعیت تأهل، نوع سکونت (خوابگاه، غیر خوابگاه) و وضعیت اقتصادی) و شخصیتی مثل علاقمندی به رشته تحصیلی با رفتار تحصیلی موفق دانشجویان و آموزش اثربخش ارتباط دارد (۲۷).

نتایج مطالعات مشابه هم‌راستا با مطالعه حاضر، تأثیر عامل وضعیت تأهل را در اثربخشی آموزش، مؤثر و مهم ارزیابی نموده‌اند. به عنوان مثال، خزاعی و همکاران با مطالعه‌ای بر روی دانشجویان پزشکی بیرجند، نشان دادند که دانشجویان مجرد نسبت به متأهل از میانگین نمرات بهتری برخوردار بودند (۲۸) و در بررسی دانشجویان دانشکده ارتش، متأهل بودن هفتمین عامل افت تحصیلی بوده است. در این پژوهش، همچنین مشارکت کنندگان غیر بومی تأکید کردند که محیط خوابگاه یکی دیگر از عوامل بازدارنده در یادگیری بوده است.

که واقعا علاقه‌ای نداره و اومده مدرکی بگیره، خداحافظی کنه...».

۲-۲- عوامل مربوط به سیستم ارزشیابی و پایش دانشجو: استادان نظیر دانشجویان بر روی عوامل مربوط به سیستم ارزشیابی و پایش دانشجو از جمله اجباری بودن حضور در کلاس، وجود قوانین «غیبت بیش از دو جلسه مجاز نیست»، «محدودیت غیبت نشانه نظم و اهمیت»، «سخت‌گیری متعادل» و سخت‌گیری در موارد دیگری نظیر ارائه خلاصه و تکلیف، و «سخت‌گیری سبب مطالعه بیشتر می‌شود»، اشاره کردند.

۳-۲- عوامل مربوط به مسایل اقتصادی: عامل دیگر که استادان و دانشجویان اتفاق نظر داشتند، عوامل مربوط به مسایل اقتصادی بود.

در این خصوص، استاد شماره ۷ در بحث گروهی اظهار کرد که «... دانشجو یعنی اون‌هایی که انگیزه کمی ...، مشکل دارن؛ یعنی مسایل مالی الان مهم‌ترین مسألشونه. حالا چه متأهل باشن، چه مجرد باشن ممکنه استثنا باشه، یه نفر یا دو نفر وضع مادی خوبی داشته باشن، اما اکثریت وضع مالی خوبی ندارن، یکی از راه حل‌هایی که ما همیشه داریم و تو معاونت آموزشی، پژوهشی، هر جا وزارت‌خونه و ...، من تونستم و گفتم اون استاد راهنماها به نحوی از لحاظ مالی، پول در اختیار داشته باشه که دانشجو لازم نباشه برای مثلا فرض کن یک مقاله‌ای که حالا صد تومن، شصت تومن، یا هفتاد تومن یا دویست تومن بهش می‌دن بره آویزون سایر گروه‌ها بشه...».

بحث و نتیجه‌گیری

دانشجویان و استادان از اجزای اساسی یک کلاس درس به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی می‌باشند. البته باید توجه داشت که غیر از دو مورد ذکر شده، عوامل دیگری هستند که ارکان آموزش را تشکیل می‌دهند (۱۱). با توجه به نتایج مطالعه حاضر، عوامل مستقیم و غیر مستقیم گوناگونی مرتبط با یادگیری و آموزش اثربخش دارای اهمیت بودند، که هر کدام

در مطالعه موسوی و جوادی نیز بر مهارت‌های تدریس استادان تأکید شده است و نتایج آن مطالعه حاکی از آن است که توانایی علمی و مهارت‌های تدریس استادان، از عوامل مؤثر در یادگیری اثربخش دانشجویان است (۳۵). همچنین، الهی و همکاران در مطالعه کیفی خود، حاصل از تجارب دانشجویان نشان دادند که انتخاب شیوه تدریس مناسب استاد، موجب انتقال بهتر مطالب، جلب مشارکت دانشجو و ارتقای یادگیری اثربخش شده است (۳۶).

البته نقش رابطه صمیمی استاد با دانشجویان و نحوه تعامل و برقراری ارتباط استاد با دانشجو را هم باید اضافه کرد. بسیاری از دانشجویان شرکت کننده بیان کرده بودند که رابطه استاد- دانشجو باید تغییر یابد و به رابطه‌ای صمیمی‌تر و نزدیک‌تر غیر از رابطه رسمی موجود در محیط‌های کلاس تبدیل گردد. پژوهش‌ها نیز نشان داد که رابطه گرم و صمیمی استاد با دانشجویان، سبب شده است که دانشجویان به طور مرتب در کلاس استادان حاضر شوند و یادگیری آنان بهبود یابد (۳۷). در همین راستا، پژوهش de Guzman و همکاران نیز نشان داد که دانشجویان مهارت برقراری ارتباط بین فردی را مهم‌ترین ویژگی یک مدرس اثربخش توصیف کردند (۳۸). در حقیقت، به نظر می‌رسد که تعامل استاد با دانشجو باعث افزایش اعتماد به نفس و انگیزه یادگیری در دانشجو می‌شود و ارتباط مؤثر بین استاد و دانشجو در افزایش اثربخشی فرایند آموزش و یادگیری نقش اساسی دارد (۳۹).

از دیگر عوامل مستقیم مؤثر بر آموزش اثربخش در این مطالعه از دیدگاه دانشجویان و استادان محیط آموزشی بود. وجود کلاس‌هایی با امکانات راحت‌تر مثل دما، نور و تهویه مناسب نیز از عواملی هستند که در امر آموزش و یادگیری تأثیر دارند. وجود صندلی‌های راحت، نور مناسب و تهویه مطلوب سبب خستگی کمتر می‌شود و مدت زمان حضور در کلاس را قابل تحمل می‌کند و از خستگی زودرس و خواب آلودگی می‌کاهد.

هم‌راستا با این یافته، مطالعه علیخانی و همکاران نشان داد که دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها به علت دوری از خانواده، شلوغی، سکونت چندین نفر در یک اتاق و نداشتن قلمرو شخصی، امکان و وقت محدودتری برای مطالعه دارند (۲۹).

یکی دیگر از جمله عوامل مستقیم مؤثر بر آموزش اثربخش که هم دانشجویان و هم استادان به آن اشاره کردند، عوامل مرتبط با استاد بود. مدرس یا همان استاد، دارای نقش به‌سزایی در یادگیری و آموزش اثربخش می‌باشد. شیوه تدریس، تجربه، به روز بودن، رفتار استاد، دیدگاه، تفکرات، تواضع، شخصیت استاد، علاقمندی، اخلاق استاد، ارتباط صمیمانه بین استاد با دانشجو و نحوه تعامل با دانشجو و حتی طرز پوشش وی دارای تأثیر است و به عنوان انگیزه و عامل تأثیر بر یادگیری توسط دانشجویان شرکت کننده در مطالعه ذکر شده است.

در کل، نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش‌های مشابه همخوانی دارد و در همه این مطالعات، بر ویژگی‌های یک مدرس خوب به ویژه رفتار و اخلاق معلم و تعامل اثربخش با دانشجویان تأکید شده است (۳۲-۳۰). در همین راستا، نتایج مطالعه قادری و دستجردی نیز حاکی از آن است که رفتارهای مناسب استادان با دانشجویان منجر به ایجاد واکنش مثبت در دانشجو می‌گردد و از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی مثبت استاد از دیدگاه دانشجویان است (۳۳).

همچنین، نتایج مطالعه ترابی‌پور و ظهیری نشان داد که از دیدگاه دانشجویان، «شخصیت فردی استاد» دارای اهمیت بیشتری در برقراری ارتباط مؤثر آن‌ها با استادانشان است و عامل اخلاق و تواضع استاد، صمیمیت استاد بیشترین تأثیر را از دیدگاه دانشجویان دارد (۳۴). شیوه تدریس استاد و بهره‌گیری از تکنولوژی نوین آموزشی در امر تدریس مثل استفاده از وسایل سمعی- بصری و یا بحث گروهی نیز از جمله مواردی بود که توسط شرکت کنندگان در مطالعه مطرح گردید. از نظر شرکت کنندگان در مطالعه، استفاده از روش‌های نوین و ترکیبی تدریس مثل بحث گروهی و نظرخواهی و استفاده از نظرات دانشجو بسیار حایز اهمیت می‌باشد.

با بهره کم با بازپرداخت پس از جذبشان در بازار کار، به منظور کمک برای تأمین هزینه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی به خصوص دانشجویان متأهل در نظام آموزش بسیار حایز اهمیت می‌باشد.

از جمله عوامل غیر مستقیم تأثیرگذار بر آموزش اثربخش، قوانین مربوط به سیاست‌ها و سیستم آموزشی کشور و عوامل مرتبط با ارزشیابی و پایش دانشجویان بودند. از نظر شرکت کنندگان در مطالعه حاضر، سیستم آموزشی کشور قدیمی بوده، نیاز به تغییر و تحول دارد؛ چرا که در این نظام آموزشی ورود به دانشگاه سخت‌گیرانه و خروج از آن بسیار راحت می‌باشد.

همچنین، تکیه صرف بر آزمون و امتحان نمی‌تواند ملاک بر یادگیری باشد. نمره، به عنوان عاملی که سبب کاهش میزان یادگیری می‌گردد و شرکت کنندگان در مطالعه نیز بر این مورد توافق دارند. از نظر آنان نمره باید ترکیبی از فعالیت‌های مختلف مثل شرکت در بحث‌های کلاس، حضور و غیاب، انجام کارهای گروهی و مطالعات خارج از حیطه درس باشد.

دانشجویان اظهار کردند که قوانین مربوط به حضور و غیاب باید تغییر کند. حضور اجباری سر کلاس درس، دلیل بر یادگیری نیست؛ چرا که بسیاری از دانشجویان فقط از روی تکلیف بر سر کلاس حاضر می‌شوند و توجهی به صحبت‌های استاد و موضوع درس ندارند و حضور فعال و مشارکت در بحث‌ها ندارند. حضور و غیاب در مقاطع پایین مناسب است؛ چرا که در مقاطع پایین باید به فراگیران نظم و ترتیب را نیز در کنار درس آموخت و به دلیل شکل نگرفتن شخصیت فراگیر، باید روی آنان کنترل داشت، اما در مقاطع تحصیلات تکمیلی، شخصیت دانشجو شکل گرفته و به مرحله تشخیص رسیده است. بنابراین، قانون‌های سخت‌گیرانه برای حضور و غیاب کافی نیست و باید تمهیدات دیگری اندیشیده شود.

همچنین، در این مطالعه استادان اظهار کردند که باید محتوای دروس بر اساس نیاز جامعه و فراگیران تدوین گردد و به سمت اهداف کاربردی سوق داده شود؛ به طوری که دانش‌آموخته تحصیلات تکمیلی، وقتی وارد بازار کار شود،

نتایج مطالعه دل‌آرام نشان داد که از مهم‌ترین نقاط ضعف آموزش مؤثر، عدم وجود امکانات رفاهی است (۴۰). نتایج مطالعه همتی مسلک‌پاک و خلیل‌زاده نیز نشان داد که از عوامل مؤثر در آموزش بالینی اثربخش، محیط آموزشی مناسب و در دسترس بودن تجهیزات و امکانات کافی است (۴۱).

در این پژوهش دانشجویان و استادان علاوه بر خصوصیات فردی و شخصیتی مستقیم تأثیرگذار، بر نقش مسایل اقتصادی بر یادگیری و آموزش مؤثر تأکید کردند. چنانچه درگیر بودن دانشجویان تحصیلات تکمیلی به فعالیت‌های اقتصادی، عاملی باز دارنده در امر یادگیری می‌باشد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی اغلب شاغل و متأهل هستند. درگیری آنان مانع از تمرکز بر یادگیری می‌شود و بر میزان یادگیری آنان تأثیر دارد. علاوه بر آن، اکثر دانشجویان آینده شغلی و جذب در بازار کار را تاریک و مبهم ذکر کردند و این دیدگاه آنان سبب می‌شود که به جای تمرکز بر یادگیری، به فکر شغل باشند و انرژی خود را در جهت‌های دیگری غیر از یادگیری و آموزش صرف کنند. بنابراین، انگیزه برای یادگیری عمیق ندارند و بیشتر به فکر پاس کردن دروس و گرفتن مدرک هستند تا یادگیری. این دیدگاه دانشجویان برای کسب مدرک سبب شده است که انتخاب رشته تحصیلی از روی علاقه نباشد، بلکه از روی نیاز باشد و نیاز جایگزین علاقه در امر آموزش به خصوص در مقطع تحصیلات تکمیلی گردد.

در رابطه با اهمیت نقش عوامل اقتصادی بر آموزش اثربخش به خصوص حمایت مالی، Dearmond ضمن مطالعه خود دریافت که فشارهای مالی و اقتصادی، از مهم‌ترین عوامل کاهش انگیزه پیشرفت تحصیلی و انصراف دانشجویان در حرفه‌های پزشکی و پیراپزشکی است (۴۲). همچنین، در همخوانی با مطالعه فوق، طلائی و حکمت‌پو نیز بیان کردند که تأمین مادی با توجه به سال‌های طولانی تحصیل دانشجویان علوم پزشکی در آسودگی خاطر آن‌ها و در نتیجه در یادگیری و آموزش اثربخش آن‌ها اهمیت زیادی دارد (۲۶). بنابراین، تدوین قوانین حمایتی مثل تسهیلات و وام‌های بلاعوض و یا

میزان تأثیری است که این دو از هم می‌گیرند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که آموزش اثربخش، یک امر پیچیده است که به عوامل متعددی بستگی دارد. این عوامل، می‌تواند به صورت کلان نظیر وضعیت اقتصادی و سیستم آموزشی کشور و یا در ویژگی‌های خردتری مانند ویژگی‌های فردی دانشجو و استاد و همچنین محیط آموزشی که دروس در آن تدریس می‌شود، شکل گیرد.

همچنین، یک تناقضی بین درک مربیان و دانشجویان از نقش آنان وجود داشت. در حالی که مربیان معتقد بودند که دانشجویان مسؤول یادگیری و خود انگیزی هستند، دانشجویان بیان کردند که این مسؤولیت اصلی مربی است. این موضوع مهمی است که باید در هنگام برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخش در نظر گرفته شود.

سیاسگزاری

بدین وسیله از تمام مشارکت کنندگان محترم در این پژوهش که تجارب ارزنده خود را در اختیار ما قرار دادند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

References:

1. Anbari Z, Ramezani M. The obstacles of clinical education and strategies for the improvement of quality of education at Arak University of Medical Sciences in 2008. *Arak Med Univ J*. 2010;13(2):110-8. [In Persian]
2. Ghasemi M, Rafiepour A, Asghari M, Abbassinia M, Tabbak R, Ahmadnezhad I, et al. Survey of learning styles of the students in Department of Health in Arak University of Medical Sciences based on Kolb's Model. *International Res J Applied Basic Sci*. 2014;8(9):1442-6.
3. Zamanzadeh V, Valizadeh L, Fathi-Azar E, Aminaie N. Nursing and midwifery student's learning styles in Tabriz Medical University. *Res J Biological Sci*. 2008;3(2):243-5.
4. Rowbotham MA. Teacher perspectives and the psychosocial climate of the classroom in a traditional BSN program. *Int J Nurs Educ Scholarsh*. 2010;7(1): 1548-923.

بتواند بر اساس فراگیری‌های خود در زمینه‌ای که تخصص دارد، مشکلی را در جامعه شناسایی و آن را رفع کند.

نکته قابل توجه در تفاوت دیدگاه استاد و دانشجو بر سر مسایل انگیزشی بود. به نظر می‌آید ایجاد انگیزه برای آموزش اثربخش یک امر یک طرفه نمی‌باشد. چنانچه در این پژوهش از یک طرف استادان، دانشجویان را برای تولید انگیزه مهم می‌دانستند؛ در حالی که دانشجویان، استادان را عامل مهمی در تولید انگیزه و پیشرفت تحصیلی می‌دانستند. در این راستا، نتایج مطالعه وکیلی و همکاران بیانگر همین موضوع بود که چنانچه عملکرد دانشجویان با انتظارات استادان مطابقت نداشته باشد، انگیزه استادان برای آموزش مؤثر و کارآمد کاهش خواهد یافت (۴۳). از طرفی، عابدینی و همکاران نشان دادند که از دیدگاه دانشجویان، یک استاد خوب یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه درونی در دانشجویان در رابطه با آموزش مؤثر است (۳۰).

هر چند ساختار آموزش و یادگیری در مقطع تحصیلات تکمیلی یک پدیده پیچیده است، اما در مجموع، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که امر آموزش اثربخش و کارآمد یک امر دو طرفه است و بر پایه ارتباطات متقابل استاد و دانشجو و

5. Bardes CL, Hayes JG, Falcone DJ. Measuring Teaching: A Relative Value Scale in Teaching. *Teach Learn Med*. 1998;10(1):40-3.
6. Martínez JF, Stecher B, Borko H. Classroom assessment practices, teacher judgments, and student achievement in mathematics: Evidence from the ECLS. *Educational Assessment*. 2009;14(2):78-102.
7. Buchel TL, Edwards FD. Characteristics of effective clinical teachers. *Fam Med*. 2005;37(1):30-5.
8. Zahedi M, Amirmaleki Tabrizi H. Medical education effectiveness from the viewpoints of medical students of Tehran University of Medical Sciences. *Iran J Med Educ*. 2008;7(2):289-98. [In Persian]
9. Yunus MM, Osman WSW, Ishak NM. Teacher-student relationship factor affecting motivation and academic achievement in ESL classroom. *Procedia Soc Behav Sci*. 2011;15: 2637-41.

10. Fasihi Harandi T, Azizzadehforoozi M, Mohammadalizadeh S, Ghazanfari moqadam Z. Effective factors on theoretical class attendance according to nursing and midwifery students' point of view, Kerman Razi School of Nursing and Midwifery. *J Strides Dev Med Educ.* 2007;4(2):100-7. [In Persian]
11. Ramezani T, Dortaj Ravari E. Investigating the characteristics of an effective teacher and educational factors affecting efficacy efficiency from the view of instructors and nursing students in Kerman University of Medical Sciences. *J Strides Dev Med Educ.* 2009;6(2):139-48. [In Persian]
12. Rahimi A, Ahmadi F. The obstacles and improving strategies of clinical education from the viewpoints of clinical instructors in Tehran's Nursing Schools. *Iran J Med Educ.* 2005; 5(2): 73-80. [In Persian]
13. Gillespie M. Student-teacher connection: A place of possibility. *J Adv Nurs.* 2005;52(2):211-19.
14. Schönwetter DJ, Lavigne S, Mazurat R, Nazarko O. Students' Perceptions of Effective Classroom and Clinical Teaching in Dental and Dental Hygiene Education. *J DentEduc.* 2006;70(6):624-35.
15. Freeth D, Fry H. Nursing students' and tutors' perceptions of learning and teaching in a clinical skills centre. *Nurse Educ Today.* 2005;25(4):272-82.
16. Chai CS, Merry R. Teachers' perceptions of teaching and learning in a knowledge- building community: an exploratory case study. *Learning, Media and Technology.* 2006;31(2):133-48.
17. Liu Y, Huang C. Concerns of teachers about technology integration in the USA. *Eur J Teach Educ.* 2005;28(1):35-47.
18. Swennen A, Jörg T, Korthagen F. Studying Student Teachers' Concerns, Combining Image-Based and More Traditional Research Techniques. *Eur J Teach Educ.* 2004;27(3):265-83.
19. Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. 3rd ed. Los Angeles: Sage; 2008.
20. Williamson GR. Introduction to Social Research Quantitative and Qualitative Approaches. *J Advanced Nurs.* 2006;54(5):639.
21. García-Ros R, Pérez F, Talaya I. New university students' instructional preferences and how these relate to learning styles and motivational strategies. *Electronic J Res Educ Psychol.* 2008;6(3):547-70.
22. Phan H. Exploring epistemology beliefs and learning approaches in context: A sociocultural perspective. *Electronic J Res Educ Psychol.* 2008;6(3):793-822.
23. Caelli K. Quantitative and qualitative research: competition or parallel play? *J Wound Ostomy Continence Nurs.* 2002;29(2):74-5.
24. Streubert H, Carpenter D. Qualitative research in nursing. 4th ed. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2007.
25. Polit D, Beck C. Essentials of nursing research: methods, appraisal, and utilization. 6th ed. Philadelphia: Lippincott, Williams & Wilkins; 2005.
26. Talaei A, Hekmatpou D. Exploration of Arak Medical students' experiences on effective factors in active learning: a qualitative research. *Iran J Med Educ.* 2012;12(2):131-42. [In Persian]
27. Mirmohammadi Meybodi S, Mazloomi Mahmoodabadi SS, Shahbazi H, Sharifpour Z, Zeynolabedini M. The Comparison of the Characteristics of Effective Teaching from Instructors' and Students' viewpoint, Yazd Shahid Sadooghi University of Medical Sciences. *Future Med Educ J.* 2012;2(4):24-31.
28. Khazaie Z, Khazaie T, Babaie M. Educational Process of Medical Students in Basic Sciences in Birjand University of Medical Sciences. *J Strides Dev Med Educ.* 2008;5(2):148-51. [In Persian]
29. Alikhani S, Markazi Moghaddam N, Boroomand S, Zand Begleh M. Evaluation of influencing factors of educational decline of nursing students Army University of Medical Sciences between 1380 and 1383. *Annals of Military and Health Sciences Research.* 2006;4(2):819-24. [In Persian]
30. Abedini S, Kamalzadeh H, Aghamolaei T. Perspectives of medical students regarding criteria for a good University professor, Bandar Abbas, Iran. *Bimonthly J Hormozgan Univ Med Sci.* 2010;14(3):241-5. [In Persian]
31. Ghorbani R, Haji aghajanei S, Heydari far M, Shams Abadi M. Viewpoints of nursing and para-medical students about the Features of a

- good university lecturer. *J Koomesh*. 2009;10(2):77-83. [In Persian]
32. Sutkin G, Wagner E, Harris I, Schiffer R. What makes a good clinical teacher in medicine? A review of the literature. *Acad Med*. 2008;83(5):452-66.
33. Ghaderi R, Dastjerdi R. Teachers' and students' viewpoints about the characteristics of effective teaching Birjand University of Medical Sciences. *J Med Educ*. 2005;7(2):95-102.
34. Torabipour A, Zahiri M. Study on influencing factors relationship between teacher and student in view of students of Ahvaz University of Medical Sciences. *Jundishapur Sci Med J*. 2012;11(5):549-57. [In Persian]
35. Mousavi S, Javadi R. Effective factors in optimizing learning from the viewpoints of the nonclinical medical academics of Bandar Abbas medical faculty. *Bimonthly J Hormozgan Univ Med Sci*. 2011;15(2):122-7. [In Persian]
36. Elahi N, Alhani F, Ahmadi F. Effective education: perceptions and experiences of nursing students. *Iran J Med Educ*. 2012;12(2):110-9.
37. Vahabi A, Sayadi M, Shahsavari S, Khadem Erfan M, Veisi A, Pouladi A, editors. Study of characteristics of good teacher from the viewpoint of Kurdistan University of Medical Science. Proceedings of the 8th National congress on Medical Education; 2007 March 6-8; Kerman, Iran. 2007: 841-5. [In Persian]
38. de Guzman AB, Ormita MJ, Palad CM, Panganiban JK, Pestaño HO, Pristin MW. Filipino nursing students' views of their clinical instructors' credibility. *Nurse Educ Today*. 2007;27(6):529-33.
39. Abedini M, Abassi A, Mortazavi F, Bijari B. Students' viewpoint of factors affecting teacher-students communication, a study in Birjand University of Medical Sciences. *Iran J Med Educ*. 2012;12(6):439-47. [In Persian]
40. Delaram M. Clinical education from the viewpoints of nursing and midwifery students in Shahrekord University of Medical Sciences. *Iran J Med Educ*. 2006;6(2):129-35. [In Persian]
41. Hemmati Maslakkpak M, Khalilzadeh H. Nursing students' perspectives on effective clinical education: a qualitative study. *Iran J Med Educ*. 2012;11(7):718-27. [In Persian]
42. Dearmond MM. The future of college health. *J Am College Health*. 1995;43(6):258-61.
43. Vakili M, Nourian A, Mosavi Nasab S. Study of characteristics a good teacher from perspective of teachers and students of Zanzan University of Medical Science. *J Zanzan Med Educ Dev Center*. 2008;24(1):18-27. [In Persian]

Mentors' and Postgraduate Students' Perception about Characteristics of Effective Education, Kerman University of Medical Sciences, Iran

Maryam Dastoorpoor¹, Marzieh Moradi², Fatemeh Estebarsari³, Farzaneh Zolala^{4}*

1. *Ph.D. Student in Epidemiology, Modeling in Health Research Center, Institute of Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran*
2. *Department of Epidemiology and Biostatistics, School of Health AND Student Research Committee, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran*
3. *Ph.D. in Health Education and Health Promotion, Department of Health, School of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran*
4. *Ph.D. in Epidemiology, Assistant Professor, Regional Center for HIV and AIDS, Institute of Future Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran*

• Received: 25 Aug, 2014

• Received Corrected Version: 15 Nov, 2014

• Accepted: 16 Nov, 2014

Background & Objective: Little attention has been paid to generating systematic evidence-based qualitative approaches to effective education. This study aimed to explore postgraduate students' and mentors' view points, experiences and perceptions about effective education and its related factors in Kerman University of Medical Sciences, Iran.

Methods: In this qualitative study, using content analysis method and purposive sampling, 32 postgraduate students and 7 mentors were recruited. An interview guide was used to collect data through focus groups via in-depth interviews. After obtaining verbal informed consent, data were recorded, transcribed and analyzed using content analysis method. To ensure validity of the data, the acceptability and confirmability criteria were utilized.

Results: Two main themes were extracted from the viewpoint of postgraduate students and the mentors, the direct and indirect factors related to effective education. Direct factors included the factors related to student, mentor, educational environment and motivation. Indirect factors were national educational system, evaluation system for students and economic factors.

Conclusion: Both postgraduate students and mentors believe that effective education is a complex issue and macro-factors such as educational system and micro-ones such as mentors, and students, characteristics are important. In addition, there is inconsistency in students' and the mentors' perception about the roles of the other one; mentors believe that this is the responsibility of the students to learn and be self-motivated, while the students mention that this is mainly the mentor's responsibility. This is an important topic which should be considered for planning effective education.

Key Words: Effective education, Perception, Postgraduate students

*Correspondence: Regional Center for HIV and AIDS, Institute of Future Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

• Tel: (+98) 34 3132 5090

• Fax: (+98) 34 3132 5134

• Email: zolalafarzaneh@gmail.com